

## بین‌الملل

### بدون روتوش



**محمد محسن فایضی**

کارشناس مسائل فلسطینی

«**تروریسم شهرک‌نشینان**»

### چالش جدید در کرانه باختری

«تروریسم یهودی» اصطلاحی است که این روزها در رسانه‌های عبری بسیار شنیده می‌شود؛ البته جریان‌های راستگرا از «تروریسم شهرک نشینان» استفاده می‌کنند. منظور از این اصطلاح، اتفاقاتی است که در کرانه باختری در حال رخ دادن است و در سال‌های اخیر افزایش یافته است.

این اقدامات توسط تندروهای صهیونیستی درون کرانه باختری رخ می‌دهد که با حمله به مزارع فلسطینی‌ها، روستاها و ماشین‌های فلسطینی در نزدیکی شهرک‌های صهیونیستی داخل کرانه باختری اتفاق میفتد.

اقدامات به جایی رسیده است که فرمانده منطقه مرکزی ارتش اسرائیل، سرتیپ آوی بلوط، بشدت خشونت شهرک‌نشینان در کرانه باختری را محکوم کرده و آن را «تروریسم یهودی» می‌خواند و هشدار می‌دهد که انتظار دارد این امر به انتفاضه‌ای خشونت‌آمیز از سوی فلسطینی‌ها منجر شود.

این ژنرال اسرائیلی می‌گوید: «این افراد عرب‌ها را انسان نمی‌دانند و معتقدند می‌توان مردم و خانه‌هایشان را با ساکنانش آتش زد و متأسفانه صبح و شب این کار را انجام می‌دهند. آنها تصمیم گرفته‌اند که شرم اوسلو را پاک کنند. تقریباً معجزه است که فلسطینی‌ها تاکنون بی‌تفاوت باقی مانده‌اند. اما این وضعیت تا ابد ادامه نخواهد داشت.»

این اقدامات توسط گروه‌های مشهور به «جوانان تپه‌ها» انجام می‌شود. این جوانان که بیشترآنان خریدی‌های تندرو یا صهیونیست‌های مذهبی‌اند، با ساختن مزارع و سپس کشتی‌های استقرار در برخی مناطق نزدیک به فلسطینی‌ها در آنجا ساکن می‌شوند و به مرور به شروع به آسیب رساندن به فلسطینی‌ها می‌کنند.

هاآرتص فاش کرد که این مزارع در کرانه باختری یا هماهنگی ارتش و نهادهای دولتی تأسیس شده‌اند و از کانون‌های شهرک‌نشینی که بدون هماهنگی و با نام مزارع ایجاد شده‌اند، متمایزند. برخی آمارها نشان می‌دهد تاکنون ۱۵۰ مزرعه با هماهنگی ارتش تأسیس شده‌اند و هدف اینکار در وهله اول جلوگیری از گسترش ساخت و ساز فلسطینی‌ها در «مناطق ج» کرانه باختری است.

افتر برناب تحلیلگر اسرائیلی در خصوص تشدید اقدامات جوانان تپه در یادداشتی می‌نویسد: «در طول دهه‌های متعادی، دیدگاه امنیتی اسرائیل براین فرض استوار بوده است که تهدیدات اصلی از خارج می‌آیند، کشورهای دشمن و گاهی حتی از میدان‌های دور. بر این اساس، سازوکارهای هشدار و پاسخ ساخته شده‌اند. اما در سال‌های اخیر تهدیدهای ظاهر شده که از پشت مرزها نمی‌آیند، بلکه در داخل شکل می‌گیرد و تشدید می‌شود. گاهی تروریسم شهرک‌نشینی علیه فلسطینی‌ها در کرانه باختری به عنوان مشکلی متوسط به اجرای قانون یا شکست موضعی دیده می‌شود، اما در واقع پدیده‌ای گسترده است که امکان تشدید منطقه‌ای دارد و بنیان‌های مرکزی امنیت ملی اسرائیل را تضعیف می‌کند. به نظر می‌رسد که سطح سیاسی و سطح امنیتی در مواجهه با این تهدید استراتژیک دچار مشکل هستند یا از آن اجتناب می‌کنند.»

براساس آمار رسانه‌های عبری اگر قبلاً خشونت گروه‌های راست افراطی در مناطق کرانه باختری به عنوان پدیده‌ای حاشیه‌ای و خودجوش دیده می‌شد که فاقد ساختار سازمانی مشخص است؛ اما از ۷ اکتبر به این سو فعالیت‌های «جوانان تپه‌ها» و گروه‌های مشابه، دچار تحول اساسی شده است. از سازمان‌های محلی غیرسازمان‌یافته به سیستمی منسجم تبدیل شده‌اند که حضور در شبکه‌های اجتماعی دارد، توانایی سازماندهی سریع دارد و حتی ویژگی‌های شبه‌نظامی پیدا کرده‌اند. جالب است که در سال ۲۰۲۶ برای اولین بار از سال ۱۹۶۷، تعداد عملیات این گروه‌ها که با نام «تروریسم یهودی» خوانده می‌شود از تعداد عملیات فلسطینی‌ها در مناطق اشغالی پیشی گرفته است!

به باور تحلیلگران اسرائیلی، این اقدامات تروریستی در کنار غارت سیستماتیک درآمدهای تشکیلات خودگردان فلسطین، موجب نابودی امنیت و آغاز انفجار در کرانه باختری خواهد شد. اکنون اسرائیل به بهانه‌های مختلف هر ماه ده‌ها میلیون دلار برای خرید تجهیزات آن عبور می‌کنند و به مقصد فلسطینی‌ها ارسال می‌شوند و همچنین مالیات و عوارضی است که از سوخت، سیگار و سیمان فروخته شده به آنها دریافت می‌کند. این مبالغ توسط اسرائیل و بلاخض وزارت دارایی این رژیم به سرپرستی اسموتریج به جای انتقال این وجوه، طبق الزامات و توافقات پیشین، به حسابی در داخل اسرائیل واریز می‌شود. براساس گزارش رسانه‌های عبری مبلغ زدیده شده تقریباً به ۱۴ میلیارد شیکل رسیده است. این اقدام موجب شده نیروهای امنیتی فلسطین تشکیلات خودگردان از یک سال پیش فقط ۴۰ درصد حقوق خود را دریافت کنند و نگرانی‌هایی در شایاک حول خارج شدن آنها از کنترل منتشر شود.

مارک کانسیان، مشاور ارشد مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی محدودیت‌ها کمتراز دو هفته پس از آغاز جنگ اعمال شدند. برای این بررسی -یکی از اولین گزارش‌های جامع عمومی درباره خسارات به تأسیسات آمریکا در منطقه- واشنگتن پست بیش از ۱۰۰ تصویر ماهواره‌ای با وضوح بالای منتشر شده توسط ایران را بررسی کرد. صحت ۱۰۹ تصویر با مقایسه آنها با تصاویر با وضوح پایین‌تر از سیستم ماهواره‌ای اتحادیه اروپا، کوپرنیکوس و همچنین تصاویر با وضوح بالا از پلنت در صورت موجود بودن، تأیید می‌شود.

در جست‌وجوی جداگانه‌ای در تصاویر پلنت، ۱۰ سازه آسیب‌دیده یا نابود شده یافت می‌شود که در تصاویر منتشرشده توسط ایران مستند نشده بود. در مجموع، واشنگتن پست ۲۱۷ سازه و ۱۱ قطعه تجهیزات آسیب‌دیده یا نابود شده در ۱۵ پایگاه نظامی آمریکا در منطقه یافت.

کارشناسانی که این تحلیل را بررسی کردند گفتند خسارات در این پایگاه‌ها نشان می‌دهد که ارتش آمریکا توانایی‌های هدف‌گیری ایران را دست کم گرفته، به اندازه کافی با جنگ پهبادی مدرن سازگار نشده و برخی پایگاه‌ها را کم‌حفاظت گذاشته است.



نیویورک تایمز

می‌نویسد:

ترامپ

همچنان به

دنبال فرمول

جادویی‌ای

است که او

را در ایران

به پیروزی

برساند اما

مقامات و

تحلیلگران

می‌گویند که

اعتقاد ترامپ

مبنی براینکه

تاکتیک‌های

او منجر به

عقب‌نشینی

ایران خواهد

شد، عمیقاً

نادرست

است. ایران

فعالاً دست

با لا دارد

و می‌تواند

مانند

گذشته، فشار

اقتصادی را

تحمل کند



**مسیر طی شده ایالات متحده آمریکا از «خشم حماسی» به «شکست حماسی»**

# ترامپ چگونه در دام افتاد؟



از برتری میدانی ایران در منطقه یاد می‌شود.

روایت رسمی دونالد ترامپ از راهبردش در قبال ایران، سال‌ها بر یک ادعای ساده استوار بود: «فشار» می‌تواند ایران را یا به زانو درآورد یا وادار به پذیرش توافقی «بهتر» از توافقی هسته‌ای پیشین کند. این سودای چند ساله در نهایت مسیر خود را به سوی چنین کج کرد و ترامپ را در مهلکه‌ای انداخت که به جرأت می‌توان گفت نه ایالات متحده و نه هیچیک از رؤسای جمهوری آمریکا دست کم در ۵ دهه گذشته چنین شکستی را تجربه نکرده‌اند.

با نگاه به ارزیابی‌های منتشرشده در رسانه‌ها و اندیشکده‌های جریان اصلی آمریکا طی ۶۰ روز گذشته، تصویری که از جنگ انتخابی علیه ایران شکل می‌گیرد، نه یک پیروزی قاطع که فقط ترامپ و وزیر جنگش پیت هگرتز به آن معتقدند، بلکه رویایی ناکام و سرابی است که نتوانیاهو و یاند صهیونیستی مقابل رئیس‌جمهوری آمریکا ترسیم کردند.

در نگاه اول، صورت‌بندی مسأله صرفاً این نیست که سیاست ترامپ به نتیجه دلخواه نرسید؛ مسأله این است که مجموعه‌ای از تصمیم‌های آشفته‌کاخ سفید ترامپ، از همان ابتدا، مسیر را به‌سوی بن‌بست سوق داد. در چنین شرایطی است

در تحلیل‌ها از آن به‌عنوان نشانه‌ای

همچنان به دنبال فرمول جادویی‌ای است که او را در ایران به پیروزی برساند اما مقامات و تحلیلگران براینکه تاکتیک‌های او منجر به عقب‌نشینی ایران خواهد شد، عمیقاً نادرست است. آنها می‌گویند که این یک برداشت نادرست از استراتژی، روان شناسی و توانایی جمهوری اسلامی ایران برای سازگاری با شرایط است. ایران فعلاً دست بالا را دارد و می‌تواند مانند گذشته، در مقابل مشکلات اقتصادی ایستادگی کند.

دیوید ایگناتیوس، ستون نویس مشهور واشنگتن پست هم در این رسانه آمریکایی نوشته است: رؤسای جمهوری به مدت ۴۷ سال از جنگ با ایران اجتناب کردند. ایران بزرگ و هوشمند است. راه‌های خروج آسانی وجود ندارد. ترامپ از گزارش‌های اطلاعاتی خود به سادگی عبور کرد. فکر می‌کرد ایران مثل ونزوئلاست، حاضری‌شوی، تسلیم می‌شوند، تمام. حالا او گیر افتاده است. هیچ کس برای کم‌نمی‌آید و او به سختی در حال یادگیری عواقب پیش‌بینی نشده است.

#### آمریکا زیر فشار

علاوه بر عملکرد متناقض ترامپ، آمریکا در عرصه نظامی نیز با هزینه‌ها و آسیب‌هایی مواجه شده است؛ موضوعی که یکی از دلایل مهم نقطه

**بررسی «فان افرز» نشان داد ایران می‌تواند**

**در مواجهه با یک ابرقدرت جهانی، تنگه هرمز را بسته نگه دارد**

# سلاح جدید ایران

### ترجمه

علیرغم آتش‌بس شکننده بین ایالات متحده و ایران، بحران اقتصاد جهانی ناشی از بسته شدن تنگه هرمز همچنان ادامه دارد. محاصره‌های پی در پی، ۲۰ درصد از عرضه جهانی نفت، ۲۰ درصد از عرضه جهانی گاز طبیعی مایع و کالاهای حیاتی مانند هلیوم، آلومینیوم و اوره را در خلیج فارس محبوس کرده و مانع از رسیدن آنها به بازارها شده است. تلاش‌های ایالات متحده برای تخلیه کشتی‌ها از تنگه با رگبار مجدد موشک‌ها و پهپادهای ایرانی مواجه شده است و تعداد بسیار کمی از کشتی‌ها موفق به عبور از آن شده‌اند.

تأثیرات اقتصادی این بحران شروع به آشکار شدن کرده است؛ کمبود سوخت و سایر محصولات در شرق آسیا و استرالیا، افزایش سرسام‌آور قیمت سوخت جت و کاهش تقاضای جهانی نفت برای اولین بار از زمان همه‌گیری کووید-۱۹ در سال ۲۰۲۰. در ایالات متحده، قیمت بنزین از ۴ دلار در هر گالن فراتر رفته و می‌تواند تا پایان ماه مه از ۵ دلار نیز عبور کند. اگر تنگه هرمز بسته بماند، این فشارهای اقتصادی بدتر شده و باعث افزایش تورم و کاهش رشد تولید ناخالص داخلی خواهد شد. تحلیلگران سیاسی، توانایی ایران در

بستن تنگه هرمز را به «سلاح نفتی» تشبیه کرده‌اند که تولیدکنندگان نفت در اوایل دهه ۱۹۷۰ علیه غرب به کار بردند. اما در حقیقت، نظام بین‌المللی اکنون با چالشی بزرگتر و پایدارتر از آن زمان روبه‌رو است. حتی اگر ایران نتواند با ایجاد نوعی سیستم عوارض بلندمدت، کنترل خود بر تنگه را نهادینه کند، ثابت کرده است که حتی در مواجهه با نیروی نظامی قابل توجه، می‌تواند این آبراه را ببندد.

این تهدید تا آینده‌ای قابل پیش‌بینی بر اقتصاد جهانی سایه خواهد افکند. اگر و زمانی که خصومت‌ها دوباره شعله‌ور شوند، تهران قادر خواهد بود تنگه هرمز را مسدود کند. واشنگتن باید این خطر را ببپذیرد و به آن رسیدگی کند و دچار این توهم نشود که نیروی نظامی و مانور دیپلماتیک می‌تواند این مشکل را برای همیشه حل کند.

**نفت به مثابه سلاح**

واضح‌ترین نمونه مشابه با استفاده تسلیحاتی ایران از تنگه هرمز، تحریم نفتی اعراب در سال ۱۹۷۳ است، زمانی که اعضای عرب اوپک پس از وقوع جنگ با اسرائیل در اکتبر همان سال، تولید نفت را کاهش داده و ارسال نفت به ایالات متحده را ممنوع کردند. این تحریم تأثیر عمیقی داشت - باعث کمبود شدید بنزین در ایالات متحده و افزایش



### شوک ناشی از جنگ با ایران و بسته شدن تنگه هرمز، احتمالاً اثرات موجی گسترده‌ای خواهد داشت.

اکنون می‌تواند تهدید به بستن تنگه هرمز در آینده کند. ایران برای جلوگیری از تردد کشتی‌ها به تلاش موفقی شد که همه چیز به نفع آن بود. وابستگی ایالات متحده به نفت خارجی بین سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۳ به شدت افزایش یافته بود و تولید داخلی در سال ۱۹۷۰ شروع به کاهش کرد. این امر به تولیدکنندگان عرب اهرم فشار منحصر به فردی داد که آنها تمام تلاش خود را برای استفاده از آن به عنوان سلاح انجام دادند. موفقیت ایران در تنگه هرمز احتمالاً پایدارتر خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران دهه‌ها صرف توسعه قابلیت‌های لازم برای بستن تنگه کرده و با تلاش نسبتاً کمی در انجام این کار موفق شده است؛ مین، موشک، پهپاد، موشک‌های بالستیک ضدکشتی و ناوگانی از قایق‌های کوچک و سریع که می‌توانند به کشتی‌های عبوری هجوم برده و آنها را غرق کنند. یک ماه بمباران سنگین توسط ایالات متحده و اسرائیل برای باز کردن تنگه هرمز کافی نبود. با توجه به عدم تمایل سایر کشورهای برای ورود به درگیری، هماهنگی اسکورت‌های دریایی جانش برانگیز بوده و کشتی‌ها به دلیل عدم قطعیت زیاد پیرامون توافق آتش‌بس، همچنان تمایلی به عبور از تنگه ندارند.

ایران که یک بار این را نشان داده، در داخل، ایالات متحده باید اقدامات

بیشتری برای تقویت تاب‌آوری در برابر شوک‌های انرژی انجام دهد. ایالات متحده که در حال حاضر بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت و گاز جهان است، می‌تواند در ذخیره‌سازی داخلی بیشتر، از جمله ذخیره استراتژیک محصولات پالایشی شده مانند دیزل و بنزین، سرمایه‌گذاری کند. همچنین باید به سرعت ذخایر نفت خام خود را که پس از حمله روسیه به اوکراین و آغاز جنگ در ایران، با دو برداشت بی‌سابقه در سال‌های ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ کاهش یافته بود، دوباره پر کند. همچنین پالایشگاهی ایالات متحده به شدت روی کشورهای حوزه خلیج فارس متمرکز است. به عنوان مثال، کالیفرنیا برای یک پنجم از برابر هرونه بسته شدن تنگه در آینده دنبال کنند.

**سلاحی پایدار برای ایران**

با این حال، طی چند سال آینده، واشنگتن و شرکای بین‌المللی‌اش باید استراتژی‌های بیشتری را برای محدود کردن آسیب‌پذیری خود در برابر هرونه بسته شدن تنگه در آینده دنبال کنند.

در داخل، ایالات متحده باید اقدامات

|   |          |
|---|----------|
| <b>سیاست‌های متزلزل ترامپ</b>   | <b>✂</b> |
| اقدامات متناقض ترامپ با موجی از واکنش‌ها و انتقادات در میان تحلیلگران و روزنامه‌نگاران، چه در داخل آمریکا و چه در سطح بین‌المللی روبه‌رو شده است. بسیاری از ناظران سیاسی این رویکرد را نشانه‌ای از نبود انسجام در تصمیم‌گیری‌های امنیتی و سیاست خارجی واشنگتن می‌دانند و معتقدند تغییرات سریع در مواضع و اجرای طرح‌ها، بیش از آنکه بیانگر کنترل اوضاع باشد، از نوعی بن‌بست در برابر ایران حکایت دارد. در همین راستا، دیوید هرست، سردبیر «هپل ایست آف» در یادداشتی نوشت: دونالد ترامپ در مواجهه با ایران به یک بن‌بست کامل رسیده است. او پس از پایان جنگ ۱۲ روزه ادعا کرد تأسیسات هسته‌ای ایران را نابود کرده است، اما در ۲۸ فوریه دوباره با همان بهانه به ایران حمله کرد. تناقضی که به‌گفته هرست، نشانه‌ای از سردرگمی در سیاست‌های ترامپ دارد. هرست در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که شواهدی از یک برنامه منسجم و فعال برای ساخت سلاح هسته‌ای در ایران مشاهده نشده و او اینموت غنی شده بیش از آنکه نشانه‌ای از حرکت به‌سوی تسلیحات باشد، به‌عنوان ابزاری برای چانه‌زنی از سوی تهران مورد استفاده قرار می‌گیرد. |          |
| ایان پرود، عضو پیشین سرویس دیپلماتیک سلطنت انگلستان نیز با اشاره به اینکه ترامپ پیوسته از احتمال فروپاشی اقتصاد ایران در سایه تشدید تحریم‌ها و انزوا بین‌المللی سخن می‌گوید و گاه این روایت را در جهت توجیه ادامه جنگ مطرح می‌کند و گاهی از آن برای تهدید ایران به توافقی استفاده می‌کند، می‌گوید: «تجربه‌های گذشته نشان می‌دهد این ارزیابی‌ها قطعی و درست نیستند. اگر ایران در سال‌های پیش از جنگ، در دوره‌ای که صادرات نفت و درآمدهایش تحت فشار و کاهش قرار داشت، دچار فروپاشی اقتصادی نشد، اکنون نیز با توجه به شرایط نسبتاً بهتر بازار انرژی، چنین سناریویی غیرمحتمل به نظر می‌رسد. این در حالی است که اکنون آمریکایی‌ها با افزایش قیمت‌ها مواجه شده‌اند؛ به‌طوری‌که قیمت بنزین در عرض یک ماه حدود ۲۰ درصد رشد کرده و سایر کالاهای ضروری خانوارها نیز گران‌تر شده‌اند.»   |          |



یک قرن که انتقال انرژی داخلی از یک بندر ایالات متحده به بندر دیگر را دشواری می‌کند، را به‌طور دائم به حالت تعلیق درآورد. همانند بحران دهه ۱۹۷۰، شوک ناشی از جنگ با ایران و بسته شدن تنگه هرمز، صرف‌نظر از چگونگی این زمان پایان درگیری، احتمالاً اثرات موجی گسترده‌ای خواهد داشت. با این حال، برخلاف بحران قبلی، تبعات ناشی از «سلاح نفتی» جدید ایران احتمالاً بسیار پایدارتر خواهد بود. ایران نشان داده است که می‌تواند تنگه را ببندد و حتی در مواجهه با تمام قدرت یک ابرقدرت جهانی، آن را بسته نگه دارد. بازگشت به وضعیت پیشین، کشش‌برانگیز بدون تردید در تنگه هرمز تحت نظارت نیروی دریایی ایالات متحده امکان پذیر نیست. **منبع: Foreign Affairs**